



DOR: 20.1001.1.22285318.1401.13.1.7.5

واکاوی تدریس آنلاین معلمان مقطع ابتدایی شهر سنندج در بستر شبکه شاد در دوران بحران کرونا (فرصت‌ها و چالش‌ها)

رفیق حسینی*

فرهاد سعیدی**

چکیده

هدف از انجام دادن این پژوهش، درک تجربه تدریس آنلاین معلمان مقطع ابتدایی شهر سنندج در بستر شبکه شاد در دوران بحران کرونا و ویروس بود. مطالعه حاضر به شیوه‌ی کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی با نمونه-گیری هدفمند، با شرکت ۲۱ نفر از معلمان مقطع ابتدایی شهرستان سنندج در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ انجام گرفت. ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختارمند بود. تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون و به شیوه‌ی توصیفی-تفسیری صورت پذیرفت. یافته‌های حاصل از تجارب معلمان در سه مضمون اصلی شامل فرصت‌ها، چالش‌ها و پیشنهادات و ۱۷ مضمون فرعی شامل: تجربه مثبت و رضایت بخش، بهره‌گیری از توان و تخصص دیگران (معلمان، اولیا و دانش‌آموزان)، آشنایی با تکنولوژی‌های آموزشی به‌روز، مهارت در ایجاد ارتباط و تعامل مؤثر با استفاده از فناوری‌های جدید در حوزه آموزش، مهارت جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموز، رضایت نسبی معلمان از به‌روزرسانی برنامه (روند افزودن امکانات)، ارتقای توان و علاقه به کارگیری تکنولوژی جدید در آموزش، هم‌افزایی معلمان از یکدیگر، عدم همکاری عوامل اثرگذار در یادگیری، عدم تعامل مطلوب (معلم، دانش‌آموز و اولیاء)، عدم انگیزه دانش‌آموزان و اولیاء، محدودیت در ارائه راهکارها، مشکلات سخت‌افزاری برنامه شاد، ناآشنایی معلمان اولیا و دانش‌آموزان با تدریس در برنامه شاد و نداشتن تابلوی الکترونیکی مجازی (در برنامه شاد)، ارائه تکالیف چالشی به دانش‌آموزان و برگزاری دوره‌های ضمن خدمت استخراج شده است. نتایج برگرفته از این پژوهش، برای مسئولان آموزش و پرورش و دیگر پژوهشگران مشتاق به فعالیت در این حوزه، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

* گروه علوم تربیتی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. hasani.rafigh@gmail.com

** دانشجوی دکتری آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. farhad.saeidi@ut.ac.ir

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: رفیق حسینی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۹/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۲۷

واژگان کلیدی

تدریس آنلاین، چالش‌ها، شبکه شاد، کرونا ویروس، مدارس ابتدایی، پژوهش کیفی.

مقدمه

در نظام آموزش و پرورش، معلمان هسته اصلی برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شوند و مشارکت معلمان در فرآیند طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی، عنصر کلیدی در بهبود برنامه به حساب می‌آیند و مشارکت آنان در فرآیند تغییر و بهسازی برنامه‌های درسی مدارس، از اهمیت شایان توجه برخوردار است (Mehrmohammadi, 2014). در ابتدای اسفند ماه ۱۳۹۸، با اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ستاد ملی کرونا خبر تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها منتشر شد. نظام آموزشی کشورمان از جمله بخش‌های آسیب‌پذیر ناشی از شیوع ویروس کووید-۱۹ (کرونا) بود؛ چراکه این بحران اجرای برنامه‌های درسی و تحقق مطلوب اهداف از پیش تعیین شده در نظام آموزش و پرورش و در شکل حضوری آن را متوقف کرده است که در این شرایط، آموزش و پرورش جهت ادامه برنامه‌های درسی مجبور بود راه‌های دیگری را امتحان کند و آموزش و یادگیری فقط از طریق ابزارهای جایگزین از جمله آموزش آنلاین امکان‌پذیر بود. فضای عمومی جامعه و نیازسنجی وزارت آموزش و پرورش بعد از چند آزمون و خطا، نهایتاً به ایجاد سامانه‌ای به نام «شبکه اجتماعی دانش‌آموزی» یا همان برنامه «شاد» در بستر فضای مجازی منجر شد. استفاده از این نرم‌افزار به صورت عمومی فرصت‌ها و چالش‌هایی را پیش‌روی نظام آموزشی و مخصوصاً تدریس معلمان قرار داده که نیازمند آن است به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته شود که در چنین شرایطی معلمان مجبور شدند به آموزش آنلاین روی بیاورند و آن‌ها ملزم به استفاده از ابزارها و منابع مختلف دیجیتال برای حل مشکلات و اجرای رویکردهای جدید آموزش و یادگیری شدند (Eickelmann & Gerick, 2020). وضعیت پیش‌آماده از ویروس کرونا، نه تنها به دانش و مهارت معلمان بلکه به اطمینان در مورد موفقیت در آموزش آنلاین نیز، نیاز دارد. با توجه به حوزه عاطفی-انگیزی، توانمندسازی معلمان به عنوان یکی از مهم‌ترین سازه‌ها در شایستگی معلمان تمرکز دارد (Lauer mann & König, 2016).

با توجه به این تغییرات در سیستم آموزشی، می‌توان گفت که معلمی از جمله ارکان اصلی و اساسی توسعه در جامعه دانایی‌محور بوده که لازم است از قابلیت‌های لازم متناسب با حرفه معلمی برخوردار باشد که براین اساس، معلمان باید از توانایی‌های لازم برای بازدهی بیش‌تر دانش‌آموزان

برخوردار باشند. توانمندسازی به افراد اجازه می‌دهد دانش خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و نقش خود را برای ارتقای خلاقیت در شغل افزایش دهند و در جستجوی راه‌های خلاقانه برای اصلاح خطاها و بازسازی فرآیندهای کاری باشند (Ahmed, Shahzad, Aslam, Bajwa & Bahoo, 2016). براین اساس می‌توان گفت توانمندسازی معلمان، شامل تلاشی هماهنگ در محیط آموزشی برای افزایش انگیزه ذاتی معلمان است. توانمندسازی به عنوان یک فرآیند، انگیزه درونی معلمان را افزایش داده تا با توجه به آن، بهترین توانایی را کسب و در دنیای مدرن امروز از آن استفاده نمایند (Thomas, 2017). نظریه این که بیش‌ترین گروهی که قبل از دانش‌آموزان، با برنامه شاد سروکار دارند خود معلمان می‌باشند در نتیجه توانمندسازی آنان به طور کلی و توانمندسازی تدریس آنلاین معلمان به طور خاص، جزء ضروریات می‌باشد.

در طی ماه‌های اخیر و با شروع سال تحصیلی جدید در ایران، تدریس به صورت آنلاین بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت و هم‌چنین چالش‌ها، فرصت‌ها، مزایا و معایب آن از نظر محققان دور نماند. بسیاری از پژوهشگران در زمینه تدریس و به خصوص تدریس آنلاین و مشکلات ناشی از آن که برگرفته از شیوع ویروس کرونا و عدم حضور معلمان و دانش‌آموزان در کلاس‌های درس بود به انجام پژوهش‌های متعددی در این زمینه پرداختند (Van der Spoel, Noroozi, Schuurink & Van Ginkel, 2020; Adedoyin & Soykan, 2020; Mutton, 2020; Maile Cutri, Mena & Whiting, 2020; Sepulveda-Escobar & Morrison, 2020; Carrillo & Flores, 2020; Allen, Rowan & Singh, 2020). تدریس آنلاین استفاده از دستگاه‌ها، ابزارهای فن‌آوری و اینترنت در حیطه آموزش و یادگیری است (Means, Toyama, Murphy, Bakia & Jones, 2009). مور، دیکسن-دین و گالون (Moore, Dickson-Deane & Galyen, 2011) یادگیری آنلاین را استفاده از شبکه‌های اینترنتی با قابلیت دسترسی، اتصال، انعطاف‌پذیری و توانایی ایجاد انواع مختلف تعاملات یادگیری توصیف کرده‌اند.

با توجه به فضای مجازی برای تدریس، سالمن (Salmon, 2012) مدلی را برای تدریس در این محیط ارائه کرده است که در آن، ابتدا به پنج ویژگی مهم مدرسان تأکید می‌کند و سپس پنج مرحله برای تدریس مجازی اثربخش در نظر می‌گیرد که در این مدل ایجاد بحث، هدایت و راهنمایی فرآیند آن، ترغیب فراگیران به شرکت در بحث و نهایتاً برقراری تعامل بین یادگیرندگان و مدرس اساس وظایف مدرس مجازی را شکل می‌دهد؛ لذا در این مدل مدرس مجازی، واسطه‌گر

الکترونیکی نامیده می‌شود. ویژگی‌های پنج‌گانه مدرس مجازی از نظر سالمن عبارتند از: (۱) واسطه-گر الکترونیکی باید فضای امن و مناسبی را برای مشارکت فراگیران در بحث فراهم کند. (۲) واسطه-گر الکترونیکی باید با نرم‌افزارها، سخت‌افزارها و کار با شبکه آشنایی کافی داشته باشد. (۳) واسطه‌گر الکترونیکی باید مهارت استفاده مؤثر از ابزارهای ارتباطی مانند پست الکترونیکی، تالار بحث آنلاین، اتاق گفتگو، ابزار وایت برد، کنفرانس دیداری و شنیداری را داشته باشد لیکن برقراری ارتباط مؤثر تنها منوط به استفاده از ابزارهای ارتباطی نیست بلکه نحوه برقراری ارتباط مهم‌تر از آن است. (۴) واسطه‌گر الکترونیکی باید دانش و اطلاعات کافی درباره موضوع یا محتوای آموزشی دارا باشد تا علاوه بر ارائه چارچوب و اهداف درس به یادگیرندگان، توان مشارکت مؤثر در بحث‌ها و تناقضات را نیز داشته باشد. (۵) واسطه‌گر الکترونیکی باید فردی نوآور، علاقه‌مند به فاوا و تحلیل‌گر باشد تا بتواند نقش مؤثری در فرآیند یادگیری فراگیران ایفاء کند.

درخصوص هدف این مطالعه، پژوهش‌های مشابه‌ای نیز صورت گرفته است از جمله عزیزی و حسینی‌نژاد (Azizi & Hosseininejad, 2021) که به بررسی «فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی در دوران پاندمی کرونا (یک مطالعه پدیدارشناسی)»، پرداختند. یافته‌های پژوهش چهارمضمون اصلی و ۱۹ زیرمضمون را به ۱- مشکلات بین دانش‌آموزان و معلمان (۶ زیرمضمون: جوابگو نبودن آموزش مجازی به تنهایی برای درس‌های عملی، آسیب دیدن دانش‌آموزان در آموزش مجازی مخصوصاً پایه دهم، مشکلات آموزش در بستر شبکه شاد (اینترنت و اتلاف وقت)، مشکلات ارزشیابی مجازی، مشکلات و نواقص آموزش نیمه‌حضوری در هنرستان‌ها، مشکلات جسمی و روحی)؛ ۲- مشکلات مختص دانش‌آموزان (۵ زیرمضمون: آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، خشونت خانگی نسبت به دختران، هزینه‌های مالی، جذب کار شدن ۸۰ درصد دانش‌آموزان پسر در مناطق محروم)؛ ۳- مشکلات مختص معلمان در آموزش مجازی (۳ زیرمضمون: عدم کنترل دانش‌آموزان در کلاس‌های مجازی، از بین رفتن مرزهای بین محل کار و زندگی خصوصی، تولید محتوا و تغییر شیوه‌های تدریس) و ۴- مزایای آموزش مجازی (۵ زیرمضمون: عدم مشکلات رفت و آمد، صرفه جویی در هزینه‌ها، بالا رفتن سواد رسانه‌ای معلمان، از بین رفتن محدودیت‌های زمانی و مکانی، آشنایی با شیوه آموزش مجازی و استفاده از آن در دوران پس از کرونا، رضایت دانش‌آموزان از عملکرد معلمان در آموزش مجازی). حسینی، غلام‌آزاد و نویدی (Hassani, Gholam Azad & Navidi, 2022) نیز در پژوهشی مشابه درخصوص آموزش

مجازی به بررسی «تجارب زیسته معلمان ایران از تدریس مجازی در اوایل دوران همه‌گیری ویروس کرونا» پرداختند که دو مضمون کلی آماده شدن برای کوچ از پداگوژیکی حضوری به مجازی و اجرای آموزش مجازی و همچنین شش مقوله ورود به فضای مجازی، دعوت به کلاس مجازی، تدریس مجازی، تکالیف درسی مجازی، ارزشیابی پیشرفت تحصیلی مجازی و در نهایت همکاری والدین در تدریس مجازی به دست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد معلمان در مرحله آغاز تغییر رویه آموزشی خود از حضوری به مجازی، الگوی آموزشی معمول خود را در فضای مجازی شبیه‌سازی کرده و به دانش و اصول پداگوژیکی تدریس در فضای مجازی توجه کافی نداشته‌اند و همچنین، بدینی فراگیری نسبت به کیفیت و اثربخشی آموزش‌های مجازی در بین معلمان دیده شده است.

عباسی، حجازی و حکیم‌زاده (Abbasi, Hejazi & Hakimzadeh, 2020) نیز به بررسی «تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از فرصت‌ها و چالش‌های تدریس در شبکه آموزشی دانش‌آموزان (شاد)» پرداختند. تحلیل عمیق دیدگاه‌های معلمان، موجب شناسایی و دسته‌بندی ده فرصت شامل: جبران عقب‌افتادگی تحصیلی در ایام قرنطینه، افزایش مسئولیت‌پذیری و درگیری بیش‌تر اولیاء با فرآیند یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان، افزایش سرعت انتقال اطلاعات و ارائه اطلاعات جدید، ایجاد انگیزه در معلمان برای ارتقاء سواد رسانه‌ای، شناخته شدن معلمان توانمند و خلاق و فراهم شدن زمینه‌ای برای به اشتراک گذاشتن فایل‌ها و تجربیات معلمان، افزایش مسئولیت‌پذیری معلمان برای مطالعه بیش‌تر، جذاب و برانگیزاننده بودن استفاده از آن برای دانش‌آموزان، علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به دانش روز و پژوهش کردن، انعطاف‌پذیری در ساعت شروع کلاس و حذف تردهای پرهزینه، پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان برای ارائه تکالیف به شیوه‌ای نو و نه چالش شامل: عدم دسترسی همه دانش‌آموزان به فضای مجازی به ویژه در مناطق محروم و ایجاد نابرابری در فرصت آموزش، سنگین بودن هزینه‌های اینترنت برای خیلی از خانواده‌ها، کند بودن سرعت اینترنت، دشوار بودن سنجش یادگیری واقعی دانش‌آموزان و سلب شدن قدرت نظارت از معلم، اعتیاد برخی دانش‌آموزان به اینترنت و گوشی، استفاده بی‌جا و بی‌رویه از مطالب دیگران، عدم وقت‌گذاری برخی معلمان به امر تدریس و ارزیابی، استفاده از نرم‌افزار به عنوان ابزار تبلیغات، کاهش انگیزه برخی دانش‌آموزان نسبت به تحصیل در شیوه جدید تدریس گردیده است. یافته‌های سراجی، موحدی و سیاحت‌خواه (Seraji, Movahedi & Siahatkah, 2014) نیز در پژوهشی با

عنوان «بررسی میزان برخورداری مدرسان دانشگاه‌های مجازی از مهارت‌های تدریس در این دوره-ها» نشان دادند که مدرسان دانشگاه‌های مجازی از نه مهارت مورد نیاز برای تدریس در دوره‌های مجازی در هشت مهارت؛ یعنی اداره و طراحی فرآیند آموزش، تسلط بر نرم‌افزارها و پشتیبانی فن‌آورانه، ترغیب دانشجویان به تأمل، ارزش‌یابی فرآیند یادگیری، بیان اهداف و چارچوب کلی دروس، طراحی فعالیت‌های یادگیری و ارائه بازخورد و ملاحظه تفاوت‌های فردی وضعیت مناسبی ندارند.

کونینگ، جاگر-بیلا و گلو تسچ (Konig, Jager-Biela & Glutsch, 2020) نیز در پژوهش خود با عنوان «سازگاری آموزش آنلاین در خلال تعطیلات مدارس به دلیل بیماری کووید ۱۹»، نشان دادند که ابزارهای فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، به ویژه شایستگی‌های معلمان در تدریس آنلاین و فرصت‌های آموزش معلمان برای یادگیری صلاحیت‌های فن‌آوری، در سازگاری با آموزش آنلاین در تعطیلی مدارس به دلیل بیماری کووید ۱۹، نقش اساسی دارد؛ هم‌چنین پژوهش کاریلو و فلورس (Carrillo & Flores, 2020) که به تحلیل ۱۳۴ مطالعه تجربی که از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ در خصوص یادگیری آنلاین منتشر شده بود نشان داد که در روش‌های آموزش و یادگیری آنلاین سه مؤلفه حضور اجتماعی، شناختی و آموزشی شناسایی شده‌اند؛ هم‌چنین این پژوهش بر یک دیدگاه جامع در خصوص آموزش آنلاین مبتنی بر تلفیقی از فن‌آوری برای پشتیبانی از آموزش و یادگیری اشاره کرده است. خلیفه، صلاح، افونه، راشد و ال‌کیمیسی (Khlaif, Salha, Affouneh, Rashed & ElKimishy, 2020) در پژوهش خود براساس نتایج مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته معلمان در خصوص چگونگی واکنش‌شان نسبت به تعطیلی مدارس به دلیل شیوع ویروس کرونا، نشان دادند که معلمان مهارت‌های خود را برای استفاده از فن‌آوری‌های نوظهور و طراحی محتوای دیجیتالی مناسب، توسعه داده‌اند.

کید و موری (Kidd & Murray, 2020) نیز در خصوص «همه‌گیری ویروس کرونا و تأثیرات آن بر آموزش معلمان در انگلیس»، موضوع «چابکی آموزشی» را در خصوص تغییرات جغرافیای فضایی، چگونگی انطباق آموزشگاه‌ها با حذف جلسات عملی برای جابجایی فضای یادگیری به فضاهای جدید آنلاین، مطرح کردند. کید (Kidd, 2020) این اصطلاح را برای توصیف انعطاف-پذیری مرئی در فضاهای یادگیری (در این حالت آنلاین)، محدود به این فضاها، برای تصمیم‌گیری در مورد تمرین به روش‌های سریع اما معنی‌دار به کار می‌برد.

از جمله ضرورت انجام پژوهشی درخصوص توانمندسازی معلمان در تدریس آنلاین، دستیابی به آینده‌ای مطلوب در نظام تعلیم و تربیت، متناسب با نیازهای دانش‌آموزان آینده، در هر شرایطی از زمان و مکان است. ویروس کرونا، یک فرصت استثنایی و طلایی در اختیار معلمان، دانش‌آموزان و بسیاری از مردم در جامعه قرار داد تا با فن‌آوری آشنا شوند و هم‌چنین باعث شد تا معلمان با فن‌آوری ارتباط بیش‌تری برقرار کنند و ما امروز شاهد آن هستیم که آموزگاران و معلمان به‌صورت خودجوش، محتواهایی را تولید و آن را از طریق شبکه آموزشی شاد در اختیار دیگران قرار می‌دهند که این موضوع از آن جهت که می‌تواند به غنی‌تر شدن فرآیند یادگیری کمک و منجر به یادگیری فعال شود برای ما بسیار مهم و اساسی می‌باشد. در حال حاضر در کشور ما، از طریق شبکه شاد و شبکه آموزش، برنامه‌هایی در دسترس معلمان قرار داده شده است که از طرف آن‌ها نحوه آموزش، کلاس‌داری و دریافت بازخورد به آنان آموزش داده می‌شود و آن‌ها را برای تدریس در فضای مجازی توانمند می‌کند؛ اما آیا با توجه به شرایط به وجود آمده، این توانمندی‌ها پاسخگوی نیازهای معلمان و دانش‌آموزان می‌باشد؟ با توجه به مطالب ارائه شده، در این پژوهش به بررسی تجارب تدریس آنلاین معلمان در بستر شبکه شاد در دوران بحران کرونا و ویروس پرداخته می‌شود.

روش

این پژوهش به صورت کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام می‌شود. جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختارمند استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۱ نفر از آموزگاران مقطع ابتدایی (با توجه به اینکه پژوهشگر در مقطع ابتدایی، مشغول به فعالیت می‌باشد، این پایه تحصیلی انتخاب گردید) مختلف بوده که به صورت هدفمند، انتخاب و فرآیند جمع‌آوری اطلاعات تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه خواهد یافت که اطلاعات آن‌ها در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	سابقه کاری (سال)	سن
۱	مرد	لیسانس	۱۲	۳۶
۲	زن	لیسانس	۲۴	۴۷
۳	زن	لیسانس	۲۶	۴۹
۴	مرد	لیسانس	۱۸	۴۰
۵	زن	فوق لیسانس	۱۵	۳۹

۳۸	۱۲	لیسانس	مرد	۶
۴۶	۲۰	لیسانس	مرد	۷
۵۰	۲۵	لیسانس	مرد	۸
۳۹	۱۳	لیسانس	زن	۹
۳۶	۱۰	لیسانس	مرد	۱۰
۴۱	۱۷	لیسانس	مرد	۱۱
۴۸	۲۵	لیسانس	زن	۱۲
۴۳	۲۰	لیسانس	زن	۱۳
۵۲	۲۸	لیسانس	زن	۱۴
۵۱	۲۵	لیسانس	مرد	۱۵
۴۳	۱۷	لیسانس	زن	۱۶
۳۷	۱۲	لیسانس	زن	۱۷
۵۰	۲۶	لیسانس	زن	۱۸
۴۷	۲۲	لیسانس	مرد	۱۹
۳۷	۱۴	لیسانس	زن	۲۰
۳۴	۱۲	دانشجوی دکتری	مرد	۲۱

جهت تحلیل داده‌ها در این پژوهش، از روش تحلیل مضمون استفاده شد که بر این اساس، داده‌های حاصل از مصاحبه نیمه‌ساختارمند، با استفاده از روش تحلیل مضمون و به صورت توصیفی-تفسیری مورد پردازش قرار خواهد گرفت؛ این روش به صورت‌های گوناگونی قابل اجرا است که از میان آن‌ها، روش شبکه مضامین مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ شبکه مضامین براساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)، سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آن‌ها به اصول مجردتر و انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان-دهنده)، در قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن درمی‌آیند (مضامین فراگیر) (Attride-Stirling, 2001).

¹ . Attride-Stirling

براین اساس پس از انجام مصاحبه با مشارکت کنندگان، متن مصاحبه‌ها با توجه به سؤالات مطرح شده در راستای هدف پژوهش، به روش تحلیل جزء به جزء به روی کاغذ نگاشته شد و به عبارتی تمامی گفته‌های مشارکت کنندگان خط به خط و کلمه به کلمه مورد تحلیل قرار گرفت و کلمات کلیدی از این گفته‌ها به صورت جداگانه به عنوان کد مضامین پایه به صورت جداگانه نوشته شد که پس از این مرحله، در مرحله دوم، تمامی مضامین پایه مورد بررسی قرار گرفت به گونه‌ای که مضامینی که با یکدیگر در ارتباط بودند توسط پژوهشگر در یک دسته مشخص قرار گرفتند که به عبارتی مضامین سازمان‌دهنده در این مرحله مشخص شدند و در نهایت در مرحله سوم نیز مضامین فراگیر با توجه به تجمیع و تبیین ارتباط بین مضامین سازمان‌دهنده، انجام شد.

یافته‌ها

پس از انجام دادن تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده و پایان مرحله مضامین، یافته‌های به دست آمده از این پژوهش حول ۳ مضمون فراگیر؛ یعنی فرصت، چالش و پیشنهاد و ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده، کدگذاری شد که در ادامه تمامی مضامین سازمان‌دهنده به تفصیل شرح داده می‌شود:

۱- فرصت‌ها

۱-۱- تجربه مثبت و رضایت بخش

شامل مضامین فرعی: تجربه سازنده، تجربه مفید، رضایت شغلی، رشد و توسعه شغلی، تدریس اثربخش، آموزش لذت بخش، آموزش نوین.
برای مثال یکی از معلمان با سابقه تدریس ۱۵ سال در آموزش و پرورش (شرکت کننده شماره ۵) در این زمینه بیان کرده بود:

«خیلی از این رویه لذت می‌برم؛ چون برای معلم‌های توانا شیوه‌ای ایده‌آل است».

هم‌چنین معلمی با سابقه ۱۲ سال خدمت (شرکت کننده شماره ۲۱) این گونه بیان می‌کند:

«از تدریس مجازی و آنلاین لذت می‌برم؛ چون دوره‌های تخصصی را گذرانده‌ام و می‌توانم به

راحتی با دانش‌آموزان تعاملی اثر بخش و سازنده داشته باشم».

۱-۲- بهره‌گیری از توان و تخصص دیگران (معلمان، اولیاء و دانش‌آموزان)

شامل مضامین فرعی: استفاده از تجربه دیگران، استفاده از تخصص دیگر معلمان، بهره‌گیری از منابع معتبر، تمرکز بر فعالیت‌ها و تمرین‌های ارائه شده توسط معلمان برتر، مشورت با صاحب‌نظران، به‌روز

کردن خود با کمک گرفتن از همکاران توانمند و سرآمد، استفاده از تجربه‌های دیگر معلمان توانمند در حوزه تدریس آنلاین، به کاربردن تدریس‌های دیگران، تولید محتوا به کمک معلمان دیگر، کمک گرفتن از دانش‌آموزان، استفاده از توان و تخصص اولیاء، بارگذاری تدریس‌های ضبط شده دیگر معلمان.

برای مثال یکی از معلمان با سابقه خدمت ۸ سال (شرکت‌کننده شماره ۹) بیان کرد:

«تجربیات دیگر کشورها را مطالعه می‌کنم و در بعضی موارد از به‌روز بودن دانش‌آموزان استفاده می‌کنم؛ هم‌چنین از تجربه دیگر معلمان موفق و نرم‌افزارهای آموزشی کمک می‌گیرم که اگر معلم خودش بخواهد، می‌تواند در همان سطح تدریس حضوری عملکرد مفیدی داشته باشد».

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۷) این‌گونه بیان کرد:

«من سعی می‌کنم با ارائه تدریس‌های آنلاین و هم‌چنین استفاده از تدریس‌های معلمان موفق، دانش‌آموزان را با انواع روش تدریس آشنا کنم».

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۰ سال (شرکت‌کننده شماره ۷) به مفید بودن و اثربخش بودن استفاده از توان معلمان متخصص اشاره کرده است.

۳-۱- آشنایی با تکنولوژی‌های آموزشی به روز

شامل مضمون‌های فرعی: به‌روز بودن معلمان، آشنایی با تکنولوژی جدید، آشنایی معلم با نرم‌افزارهای مرتبط با تدریس آنلاین، آشنایی با روش‌های تدریس آنلاین، بالا بردن سطح توانمندی معلمان، شناخت سطح واقعی خود، نیاز به به‌روزشدن، آشنایی با دنیای فن‌آوری‌های جدید در تدریس غیرحضوری، ایجاد فرصت برای خودشناسی بهتر در دنیای آموزشی جدید، ارتقای معلمان توانمند، تفاوت بین معلمان توانمند با عادی، آشنایی با تدریس در فضای مجازی، استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی و تعاملی برای تدریس در بستر فضای مجازی، آشنایی با تکنولوژی و فن‌آوری‌های جدید دیگر کشورها.

برای مثال یکی از معلمان با سابقه ۱۸ سال خدمت (شرکت‌کننده شماره ۴) این‌گونه بیان کرد: «در شرایط موجود معلمان بیش‌تر با تکنولوژی آشنا شدند از جمله خود من؛ اگرچه آموزش و پرورش در این زمینه کوتاهی‌هایی انجام داده است». هم‌چنین یکی از شرکت‌کنندگان با سابقه خدمت ۲۵ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۲) این‌گونه بیان کرد:

«فرصتی برای پیشرفت بنده بود؛ هم‌چنین چالشی برای یادگیری بیش‌تر؛ اما خیلی از همکاران نتوانستند خود را با شرایط موجود وفق دهند که من این شرایط را فرصتی می‌دانم برای مدیریت

بهرتر زمان و آشنا شدن با تکنولوژی‌های تدریس در فضای مجازی، استفاده از تدریس‌های به روز در بستر فضای مجازی».

شرکت‌کننده شماره ۲۱ با ۱۲ سال خدمت بیان کرد:

«شرایط جدید برای بعضی از همکاران چالش و برای بعضی دیگر فهرست بود. برای بنده فرصتی بی‌نظیر و خارق‌العاده بود که توانستم یادگیری خود را به چالش بکشم و در حوزه تدریس غیرحضور و آنلاین و استفاده از نرم‌افزارها و برنامه‌هایی که جهت این نوع تدریس اثربخش است استفاده مطلوبی داشته باشم».

۴-۱- مهارت در ایجاد ارتباط و تعامل مؤثر با استفاده از فن‌آوری‌های جدید در

حوزه آموزش

شامل مضامین فرعی: توان انتقال مفاهیم، بالا بردن سطح تعامل معلم و دانش‌آموز، برقراری ارتباط صحیح با دانش‌آموز، تعامل اثربخش، بالا بردن مهارت‌های تعامل و ارتباط دو طرفه در تدریس غیرحضور.

برای مثال یکی از معلمان با سابقه تدریس ۱۰ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۰) این‌گونه بیان کرد:

«معلم باید به‌روز باشد و از منابع به روز و جدید جهت تدریس آنلاین استفاده کند تا بتواند تولید محتوا کند؛ هم‌چنین در کلاس‌های آنلاین زنده شرایط را به گونه‌ای جلو ببرد که تعامل با دانش‌آموزان به صورت اثربخش و مؤثر اتفاق بیفتد که این به نوبه خود باعث یادگیری بهتر می‌شود».

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۵ سال (شرکت‌کننده شماره ۸) بیان کرد:

«علاوه بر استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی و به روز بودن، معلم باید به گونه‌ای عمل کند که دانش‌آموز احساس کند ارتباطی خاص با معلم دارد و تعامل آن‌ها شبیه به کلاس حضوری باشد».

شرکت‌کننده شماره ۵ با ۱۵ سال خدمت این‌گونه بیان کرد:

«باید مرحله‌به‌مرحله پیش برویم که اگر معلم به محتوای درسی مسلط باشد قدم بعدی ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان خواهد بود و با ایجاد علاقه و انگیزه در دانش‌آموزان تعامل و ارتباط دو طرفه بین دانش‌آموز و معلم شکل خواهد گرفت».

هم‌چنین شرکت‌کننده‌های شماره ۱۱ و ۱۳ بیان کرده بودند:

«برنامه شاد در ابتدا امکانات مناسبی جهت تعامل معلم و دانش‌آموز نداشت؛ اما اکنون شرایط با بروزرسانی برنامه شاد و افزودن امکان تدریس آنلاین، بهتر شده است».

۵-۱- مهارت جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموز

شامل مضامین فرعی: توانایی انتقال احساس رضایت از یادگیری در دانش‌آموزان، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز به حضور در کلاس‌های آنلاین، مهارت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، به کار بردن روش‌های تدریس متنوع و خلاقانه جهت جلب توجه و علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به یادگیری مفاهیم درسی، ایجاد انگیزه درونی برای تدریس و حل مسائل توسط خود دانش‌آموزان، علاقه به استفاده از برنامه‌های مکمل شاد برای یادگیری بیش‌تر دانش‌آموزان، استفاده از فن‌آوری‌های جدید جهت ایجاد انگیزه و شور و شوق برای یادگیری بیش‌تر دانش‌آموزان.

یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۲۱) این‌گونه بیان کرد:

«معلم علاوه بر آشنایی با تکنولوژی و شیوه‌های نوین تدریس، باید مهارت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان را داشته باشد خصوصاً از طریق تدریس غیرحضور، این مهارت را تقویت کند و این انگیزه را در دانش‌آموزان ایجاد کند که آن‌ها می‌توانند از طریق برنامه شاد هم یادگیری اثربخش و کاملی داشته باشند».

شرکت‌کننده شماره ۵ با ۱۵ سال خدمت، مشکل اصلی عدم علاقه و انگیزه دانش‌آموزان در برنامه شاد در آموزش غیرحضور، تدریس بی‌روح معلم می‌داند.

۶-۱- رضایت نسبی معلمان از به روز رسانی برنامه (روند افزودن امکانات)

شامل مضامین فرعی: ارتقای مناسب، بهبود نسبت به اوایل، رضایت از برنامه شاد، بهبود مستمر، ارتقاء نسبت به گذشته، افزودن امکانات بیش‌تر.

برای مثال یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۸ سال (شرکت‌کننده شماره ۴) این‌گونه بیان کرد:

«برنامه شاد اکنون خیلی ارتقاء یافته است و به نظر من اکنون قابلیت رقابت با دیگر برنامه‌های تدریس آنلاین را دارد».

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۷) بیان کرد:

«اکنون برنامه مشکلی ندارد؛ چون مشکلات بیش‌تر به پهنای باند اینترنت برمی‌گردد که اگر از اینترنت خانگی استفاده شود تقریباً برگزاری کلاس آنلاین غیرممکن است».

شرکت‌کننده شماره ۶ تا ۱۲ سال خدمت و شرکت‌کننده شماره ۷ با ۲۰ سال خدمت و هم‌چنین شرکت‌کننده‌های شماره ۱۵ با ۲۵ سال خدمت شرکت‌کننده شماره ۱۸ با ۲۶ سال خدمت، بیان کرده

بودند که برنامه شاد به روزرسانی رضایت‌بخشی داشته است و نسبت به گذشته (پارسال)، دارای امکانات بیش‌تری است اگر چه نیاز به ارتفاع بیش‌تری هم دارد.

۷-۱- ارتقای توان و علاقه به کارگیری تکنولوژی جدید در آموزش

شامل مضامین فرعی: مهارت استفاده برنامه‌های تدریس آنلاین، توانایی استفاده از کامپیوتر و گوشی هوشمند، تسلط به برنامه‌های تولید محتوا، افزایش سواد رسانه‌ای، به‌روز بودن معلم، آشنایی با شیوه‌های تدریس آنلاین نوین، افزایش مهارت تولید محتوا، استفاده از تدریس‌های به‌روز با استفاده از تکنولوژی‌های جدید، به‌روز بودن معلم در استفاده از روش‌های نوین آموزش غیرحضوری.

برای مثال یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۵ سال (شرکت‌کننده شماره ۵) بیان کرد:

«معلم باید از نظر تکنولوژی آموزشی به‌روز باشد؛ هم‌چنین حداقل چند تا مقاله در مورد تولید محتوا و شیوه‌های نوین در این مورد یعنی تدریس آنلاین را مطالعه کرده باشد».

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۶) این‌گونه بیان کرد:

«معلم باید سواد و توانایی استفاده از نرم‌افزارهایی که با آن می‌توان فیلم‌های آموزشی را تهیه کرد را داشته باشد».

یکی دیگر از معلمان با سابقه خدمت ۱۰ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۰) بیان کرد:

«معلم بهتر است استفاده از برنامه‌های جدید و به‌روز که برای تدریس در بستری فضای مجازی نیاز است را بداند و شیوه استفاده از آن را یاد بگیرد».

۸-۱- هم‌افزایی معلمان از یکدیگر

شامل مضامین فرعی: تعامل سازنده معلمان با یکدیگر، استفاده از تجارب معلمان برتر، به‌کارگیری راهبردهای تدریس گوناگون تدریس، مشارکت معلمان در تدریس‌های گروهی، ایجاد بانک تولید محتوا توسط معلمان.

یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۱) بیان کرد:

«از تغییرات کوچک شروع کنیم و معلمان با هم تعامل سازنده داشته باشند که از تجربه‌های یکدیگر بهره ببرند».

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۰ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۳) این‌گونه بیان کرد:

«به نظر من، تعامل معلمان در هم‌افزایی بیش‌تر در استفاده از روش‌های مؤثر تدریس شیوه خوبی است.»

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه ۱۵ (شرکت‌کننده شماره ۵) خدمت بیان کرد:
«به نظر من همکاری معلمان با یکدیگر و هم‌چنین استفاده از تدریس‌های معلمان برتر، راه حل خوبی برای توانمند کردن معلمان است.»

۲- چالش‌ها

۲-۱- عدم همکاری عوامل اثرگذار در یادگیری

شامل مضامین فرعی: عدم همکاری خانواده‌ها، عدم همکاری آموزش و پرورش، عدم همکاری مدرسه، عدم همکاری خود دانش‌آموزان، عدم هماهنگی اولیاء، معلمان و مدیریت مدرسه. برای مثال یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۵ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۵) بیان کرده بود: «آموزش و پرورش باید دوره‌هایی برای معلمان برگزار می‌کرد؛ من خودم جرأت نداشتم بگویم از فضای مجازی چیزی بلد نیستم؛ کسی هم دستم را نگرفت و این بزرگ‌ترین معضل بوده و می‌باشد.»

هم‌چنین یکی از معلمان با ۱۲ سال خدمت (شرکت‌کننده شماره ۶) این‌گونه بیان کرده بود: «تخلف زیاد شده است دانش‌آموزان و اولیاء، همکاری لازم را ندارند یا می‌توانیم بگوییم فرهنگ استفاده از یادگیری غیرحضوری هنوز جا نیفتاده است.»

۲-۲- عدم تعامل مطلوب (معلم، دانش‌آموز و اولیاء)

شامل مضامین فرعی: نبود عدم تعامل، اعتقاد تعامل، در اولویت نبودن تعامل، ناتوانی در برقراری تعامل سازنده، تعامل محدود، تعامل فقط از طریق پرسش و پاسخ، تعامل از طریق بارش مغزی، نداشتن تعامل مورد انتظار.

برای مثال یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۸ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۴) کرده بود: «احساس می‌کنم نمی‌توانم تعامل خوبی با دانش‌آموزان داشته باشم؛ چون شرایط جدیدی است و باید مدتی طول بکشد تا به راه‌حل مناسبی برای تعامل در تدریس آنلاین و خصوصاً تدریس در بستر فضای شاد دست پیدا کنم.»

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۲۱) بیان کرده بود:

«سخت است در تدریس آنلاین با دانش آموز تعامل داشته باشیم و نمی توانم بگویم که خود تعامل مناسبی داشته ام یا نه».

هم چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۵ سال (شرکت کننده شماره ۵) این گونه بیان کرده بود: «فکر نکنم توانسته باشم تعاملی درسته تدریس حضوری داشته باشم؛ اما سعی کرده ام این تعامل را نوعی در حدی رضایت بخش داشته باشم».

۳-۲- عدم انگیزه دانش آموزان و اولیاء

شامل مضامینی فرعی: عدم انگیزه دانش آموز، بی خیالی دانش آموز، بی توجهی دانش آموز، عدم مسئولیت پذیری دانش آموز، کم توجهی اولیاء، بی خیالی اولیاء، عدم علاقه دانش آموز. برای مثال یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۷ سال (شرکت کننده شماره ۱۱) بیان کرده بود: «دانش آموز درگیر نمی شود؛ اولیاء هم درگیر کار نمی شوند؛ ما سؤالات را ارائه می دهیم بیش تر اولیاء حل می کنند».

معلمی با سابقه خدمت ۲۶ سال (شرکت کننده شماره ۱۸) بیان کرده بود:

«تدریس آنلاین جایی برای درگیر کردن دانش آموز نیست؛ چون آن ها علاقه ای به شرکت در کلاس های آنلاین ندارند و این عدم علاقه آن ها به تدریس غیر حضوری، یادگیری را به شدت کاهش داده است».

هم چنین یکی از شرکت کنندگان با ۱۴ سال خدمت (شرکت کننده شماره ۲۰) بیان کرده بود: «انگیزه وقتی ایجاد می شود که دانش آموز درگیر یادگیری و آموزش شود؛ اما در تدریس آنلاین این ارتباط، درگیری و تعامل بسیار سخت است و نمی توانم ادعا کنم که توانسته ام همانند تدریس در کلاس حضوری، در دانش آموزان انگیزه ایجاد کنم و آن ها را به یادگیری علاقه مند کنم».

۴-۲- محدودیت در ارائه راهکارها

شامل مضامین فرعی: انعطاف پذیری کم در ارائه راهکارهای مختلف، محدود بودن به ارائه راهکارها، محدود شدن معلم به روش سخنرانی در تدریس، نبود راهبردهای گوناگون در تدریس آنلاین، عدم اعتقاد به ارائه راهبردهای مؤثر در تدریس آنلاین، عدم توان اجرای راهبردهای گوناگون در تدریس آنلاین، محدود شدن معلم به تدریس به صورت سخنرانی، تدریس معلم در چارچوب بسته.

یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۴ سال (شرکت‌کننده شماره ۲) این‌گونه بیان کرد:
«ارائه مطالب به روش سخنرانی می‌باشد؛ چون چاره دیگری نداریم».

معلم دیگری با سابقه خدمت ۲۶ سال (شرکت‌کننده شماره ۳) این‌گونه بیان کرد:
«مطالب را از طریق تدریس آنلاین می‌کنم و دانش‌آموزان هم اگر سؤالی داشتند من سعی می‌کنم پاسخی قانع‌کننده به آن‌ها بدهم؛ ولی فکر نکنم زیاد بتوان راهبردهای مختلف را در تدریس آنلاین به کار برد».

هم‌چنین معلمی با سابقه خدمت ۱۸ سال (شرکت‌کننده شماره ۴) بیان کرد:
«در تدریس آنلاین استفاده از راهبردهای گوناگون زیاد مطرح نیست و هدف ارائه محتوا است».

۲-۵- مشکلات سخت افزاری برنامه شاد

شامل مضامین فرعی: دسترسی نداشتن دانش‌آموزان به اینترنت، پشتیبانی نامناسب از برنامه شاد، نداشتن امکانات برای تدریس رضایت بخش در برنامه شاد در مقایسه با دیگر برنامه‌های موجود از جمله اسکای روم و ادوب کانکت، بی‌کیفیت بودن برنامه شاد، ضعیف و نامناسب بودن برنامه شاد در ابتدا، عدم امکان ارزشیابی دانش‌آموزان در برنامه شاد صورت واقعی.

یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۱) این‌گونه بیان کرد:

«در روزهای اولیه استفاده از برنامه شاد برای معلمان، مشکلات زیادی داشتند از جمله خیلی از معلمان واقعاً دسترسی به اینترنت نداشتند یا حتی گوشی همراه هوشمند نداشتند».

هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۶) این‌گونه بیان کرد:

«پاسخ اکثر معلمان به این سؤال، این می‌باشد که برنامه شاد قادر نبود همه دانش‌آموزان را ساپورت کند؛ چون بسیاری از دانش‌آموزان و حتی معلمان نمی‌توانستند به راحتی وارد کلاس آنلاین شوند؛ زیرا قطع و وصل شدن مدام و ضعف پهنای باند اینترنت معضلی شده بود و هم‌چنین پشتیبانی مناسبی صورت نمی‌گرفت».

هم‌چنین شرکت‌کننده‌های شماره ۹، ۱۱ و ۱۳ بیان کردند:

«یکی از مشکلات اساسی در تدریس آنلاین و غیرحضوری در برنامه شاد، مشکلات ساختاری برنامه شاد و پهنای باند اینترنت بوده است؛ اگرچه روند تکامل و ارتقای برنامه شاد قابل قبول بوده است».

۲-۶- ناآشنایی معلمان، اولیاء و دانش‌آموزان با تدریس در برنامه شاد

شامل مضامین فرعی: ناآشنایی معلم‌ها با فضای موجود، عدم همکاری والدین، عدم همکاری دانش‌آموزان، سردرگمی معلمان، عدم هماهنگی معلم و دانش‌آموز، عدم هماهنگی معلم و کادر اجرایی مدرسه، سردرگمی آموزش و پرورش، نداشتن تعامل معلم، اولیاء و دانش‌آموز، عدم استقبال اولیاء از برنامه شاد، ناآشنایی برنامه شاد برای معلمان، برگزار نکردن دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان، بیگانه بودن معلمان با شرایط موجود. یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۴ سال (شرکت کننده شماره ۲) این گونه بیان کرد:

«بسیاری از معلمان شیوه استفاده از برنامه شاد را نمی‌دانستند. بنده خود در استفاده از برنامه شاد ابتدا مشکل داشتم؛ هم‌چنین بسیاری از اولیاء قانع نمی‌شدند که فرزندانشان به صورت آنلاین آموزش ببینند و این معضل بزرگ بود.»

معلمی با سابقه خدمت ۲۶ سال (شرکت کننده شماره ۱۸) بیان کرد:

«معلمان برای تدریس در بستر فضای مجازی و استفاده از برنامه شاد آموزش ندیده بودند و این تغییر ناگهانی معلمان را شوکه کرد؛ هم‌چنین اولیاء و دانش‌آموزان هم زیاد از تدریس به صورت غیرحضور و در بستر برنامه شاد استقبال نمی‌کردند.»

شرکت کننده‌های شماره ۱۰، ۱۴ و ۱۷ به ناآشنایی و نداشتن تجربه قبلی در تدریس آنلاین هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان اشاره کرده بودند.

۲-۲- نداشتن تابلوی الکترونیکی مجازی (در برنامه شاد)

شامل مضامین فرعی: نداشتن تابلوی الکترونیکی مجازی، دشواری تدریس در فضای برنامه شاد، نداشتن امکاناتی برای نوشتن مطالب.

یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت کننده شماره ۲۱) بیان کرد:

«اگر نسبت به دیگر برنامه‌ها مقایسه کنیم مشکل اصلی این است که معلم در تدریس آنلاین نمی‌تواند از تخته وایت برد مجازی استفاده نماید و این کار برای معلم سخت می‌شود که دروسی مثل ریاضی را تدریس کند؛ اگرچه در مواردی دیگر ارتقاء یافته است؛ ولی لازم است بتوان از تخته وایت برد هوشمند در این برنامه هم استفاده کرد.»

۳- پیشنهادات

۳-۱- ارائه تکالیف چالشی به دانش‌آموز

شامل مضامین فرعی: ایجاد انگیزه برای انجام آزمایش‌ها در منزل، انجام کارهای تحقیقی توسط دانش‌آموز، انجام کارهای عملی بیشتر، تشویق بیشتر دانش‌آموزان، انجام کارهایی دستی مورد علاقه خود آن‌ها، ارائه تکالیف چالش‌برانگیز و مفهومی با توجه به رشد ذهنی دانش‌آموز، ارائه مفاهیم درسی مورد علاقه دانش‌آموزان و تشویق برای انجام پژوهش جهت یافتن راه حل مناسب.

برای مثال یکی از معلمان سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۷) این‌گونه بیان کرد:

«سعی می‌کنم هم در تدریس آنلاین زنده و هم برای کار در منزل، دانش‌آموزان را وادار به فکر کردن کنم از شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کنم از جمله کار تحقیقی، ارائه کاردستی و حل سؤالات مختلف و چالش‌برانگیز».

هم‌چنین شرکت‌کننده شماره ۹ با ۸ سال سابقه خدمت این‌گونه بیان کردند:

«آن‌ها را با چالش‌های گوناگونی مواجه می‌کنم و از دانش‌آموزان می‌خواهم از طریق پرسش از افراد دانا و توانا و استفاده از منابع معتبر به جواب چالش‌ها برسند که معلم در شرایط کنونی می‌تواند ایده‌های گوناگونی به کار ببرد».

۲-۳- برگزاری دوره های ضمن خدمت

شامل مضامین فرعی: برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت برای معلمان، افزایش انگیزه در معلمان، حمایت آموزش و پرورش از معلمان، ارتقای معلمان در استفاده از تکنولوژی آموزشی، برگزاری سمینارهای مختلف برای معلمان، فعالیت‌های آموزشی بیشتر گروه‌های آموزشی، فعال‌تر بودن گروه‌های آموزشی.

یکی از معلمان با سابقه خدمت ۲۶ سال (شرکت‌کننده شماره ۳) بیان کرد:

«راه حل مناسب جهت توانمندسازی، برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت برای معلمان است».

و هم‌چنین یکی از معلمان با سابقه خدمت ۱۰ سال (شرکت‌کننده شماره ۱۰) بیان کرد:

«به نظر من برگزاری دوره‌های ضمن خدمت توسط افراد توانمند، بهترین راهکار برای توانمندسازی معلمان است».

هم‌چنین یکی از شرکت‌کنندگان با سابقه خدمت ۱۲ سال (شرکت‌کننده شماره ۲۱) بیان کرد:

«به نظر من وظیفه آموزش و پرورش است که در مورد توانمند کردن معلمان اقدام کند».

بسیاری از شرکت‌کنندگان از جمله شرکت‌کنندگان شماره‌های ۷، ۸، ۱۲، ۱۹، ۲۰ به برگزاری دوره‌هایی جهت ایجاد توانمندسازی معلمان و ارائه دانش تخصصی و به‌روز، به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

بحث و نتیجه گیری

نظر به شیوع ویروس کرونا و تعطیل شدن اجباری مراکز آموزشی در سال ۲۰۲۰ میلادی و رواج یافتن آموزش در فضای مجازی، نیاز به ایجاد نگاهی نو و کاربردی به فرآیند آموزش لازم دانسته شد نگاهی که فراتر از آموزش‌های سنتی معلمان باشد و شرایط محیطی را به شیوه‌ای رهبری کند تا امر آموزش را بدون نیاز به حضور فیزیکی افراد تداوم بخشد. تدریس در بستر فضای مجازی و در داخل ایران از طریق نرم‌افزار شاد در سطح مدارس ابتدایی، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای معلمان، دانش‌آموزان و حتی اولیاء ایجاد کرد. با گسترش استفاده از فن‌آوری اطلاعات در حوزه تدریس و آموزش، ایجاد محیط‌های یادگیری بدون محدودیت‌های زمانی و مکانی به صورت مجازی امکان‌پذیر می‌باشد که افراد می‌توانند تعامل مؤثری با هم داشته باشند.

در پی شروع بیماری کرونا و تعطیل اجباری مدارس، تهیه نرم‌افزار شبکه شاد بستری را برای آموزش از راه دور فراهم کرد؛ هرچند این نرم‌افزار در ابتدای راه، دارای مشکلات و کاستی‌های فراوانی بود که با گذشت زمان ارتقای مناسبی داشته است که به نظر می‌رسد معلمان، اولیاء و دانش‌آموزان کم‌کم با شرایط موجود کنار آمده‌اند؛ اما می‌توان گفت استفاده مناسب از برنامه شاد و ارتقای این برنامه می‌تواند در زمان بازگشایی مدارس هم به عنوان مکمل برنامه درسی برای گسترش عدالت آموزشی مورد استفاده قرار بگیرد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تدریس آنلاین معلمان مقطع ابتدایی در بستر شبکه شاد در دوران بحران کرونا، سه حوزه را پیش روی آنان قرار داد که شامل فرصت‌ها، چالش‌ها و پیشنهادات برگرفته از این نوع فرصت و چالش بوده است. فرصت‌های برگرفته شده از تدریس آنلاین معلمان شامل هشت مضمون سازمان‌دهنده از قبیل تجربه مثبت و رضایت بخش، بهره‌گیری از توان و تخصص دیگران (معلمان، اولیاء و دانش‌آموزان)، آشنایی با تکنولوژی‌های آموزشی به‌روز، مهارت در ایجاد ارتباط و تعامل مؤثر با استفاده از فن‌آوری‌های جدید در حوزه آموزش، مهارت جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموز، رضایت نسبی معلمان از به‌روزرسانی برنامه (روند افزودن امکانات)، ارتقای توان و علاقه به کارگیری تکنولوژی جدید در آموزش و هم‌افزایی معلمان از یکدیگر بود. چالش‌های مطرح شده نیز شامل عدم همکاری عوامل اثرگذار در یادگیری، عدم تعامل مطلوب (معلم، دانش‌

آموز و اولیاء)، عدم انگیزه دانش آموزان و اولیاء، محدودیت در ارائه راهکارها، مشکلات سخت-افزاری برنامه شاد، ناآشنایی معلمان، اولیاء و دانش آموزان با تدریس در برنامه شاد و نداشتن تابلوی الکترونیکی مجازی (در برنامه شاد) بود. این نتایج با یافته‌های پژوهش عباسی و همکاران (Abbasi et al., 2020) هم‌سو می‌باشد که نشان دادند تدریس در شبکه آموزشی شاد، فرصت‌ها و چالش‌های مشابه را به وجود آورده است. درخصوص چالش‌های پیش آمده نیز همان‌گونه که سراجی و همکاران (Seraji et al., 2014) نیز اشاره کرده‌اند مشکلاتی درخصوص مهارت‌های تدریس در مراکز آموزشی مجازی وجود دارد.

از جمله فرصت‌های ایجاد شده در تدریس آنلاین معلمان در پژوهش حاضر، آشنایی با تکنولوژی‌های آموزشی به‌روز و بهره‌گیری از توان و تخصص دیگران بوده که کونینگ و همکاران (Konig et al., 2020) نیز در پژوهش خود به این نکته اشاره کرده‌اند که یادگیری صلاحیت‌های فن آوری، در سازگاری با آموزش آنلاین در تعطیلی مدارس در شرایط بیماری کوید ۱۹، نقش مهمی دارد. ارتقای توان و علاقه به، به کارگیری تکنولوژی جدید در آموزش آنلاین نیز از جمله فرصت‌های مورد اشاره معلمان این پژوهش بوده که خلیفه و همکاران (Khlaif et al., 2020) نیز با اشاره به این موضوع خاطر نشان ساخته‌اند که معلمان مهارت‌های خود را برای استفاده از فن آوری‌های نوظهور و طراحی محتوای دیجیتالی مناسب، توسعه داده‌اند.

سومین مضمون این پژوهش که هم‌راستا با فرصت‌ها و چالش‌ها، مطرح گردید پیشنهاداتی بود که از مصاحبه با معلمان حاصل شد که این پیشنهادات در دو مضمون سازمان‌دهنده ارائه تکالیف چالشی به دانش آموز و برگزاری دوره‌های ضمن خدمت بیان شد.

کرونا و ویروس، با تمامی شوک‌های متعدد اقتصادی، آموزشی و... که برای جوامع به همراه داشت بستری را برای تمامی زنان، مردان، کودکان و...، با هر شرایطی فراهم کرد که بتوانند توانایی‌ها و استعدادهایشان را کشف کرده و در پی دستیابی به اهداف خود، به راهکارهایی متوسل شوند که شاید تا قبل از این شرایط، حتی تصور آن نیز در ذهنشان نمی‌گنجید. معلمانی که تنها با روش‌های تدریس سنتی و شرایطی کاملاً دیکته شده، آشنا بودند و با هیچ فن آوری، آشنا نبودند هم اکنون به تولید محتوا می‌پردازند توان و انگیزه‌شان به تکنولوژی‌های جدید آموزشی بیش تر شده، با روش‌های جدیدتری به تدریس در فضای مجازی می‌پردازند؛ اما هم‌چنان معلمانی نیز در خصوص تدریس آنلاین دچار مشکلات و چالش‌هایی هستند که پیشنهاد می‌گردد جهت توانمندسازی‌شان دوره‌های

ضمن خدمت برای ارتقاء سطح آشنایی با سخت افزارها و نرم افزارهای رایانه‌ای و افزایش مهارت‌های مدیریت تعامل و ارتباط با والدین و دانش آموزان برگزار شود. در نهایت به دیگر پژوهشگران نیز پیشنهاد می‌شود که این پژوهش در دیگر مقاطع تحصیلی و همچنین در مراکز دانشگاهی نیز با توجه به تأثیرات مختلف ویروس کرونا بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان، انجام گردد.

References

- Abbasi, F., Hejazi, E. & Hakimzade, R. (2020). Lived Experience of Elementary School Teachers about The Opportunities and Challenges of Teaching in the Educational Network of Students (SHAD): A Phenomenological Study. *Journal of Teaching Research*, 8(3): 1-24. (in Persian).
- Adedoyin, O. B. & Soykan, E. (2020). Covid-19 pandemic and online learning: the challenges and opportunities. *Interactive Learning Environments*, 16(3): 1-13.
- Ahmed, F., Shahzad, K., Aslam, H., Bajwa, S. U., Bahoo, R. (2016). The role of collaborative culture in knowledge sharing and creativity among employess. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences (PJCSS)*, 10(2), 335-358.
- Allen, J., Rowan, L. & Singh, P. (2020). Teaching and teacher education in the time of COVID-19. *Asia-Pacific Journal of Teacher Education*, 48(3): 233-236.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1, 385-405.
- Azizi, Z. & Hoseinnejad, H. (2021). Opportunities and Threats of Virtual Learning in the Corona Pandemic Era: A Phenomenological Study. *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 12(46): 153-173. (in Persian).
- Carrillo, C. & Flores, M. A. (2020). COVID-19 and teacher education: a literature review of online teaching and learning practices. *European Journal of Teacher Education*, 43(4): 466-487.
- Eickelmann, B., & Gerick, J. (2020). Lernen mit digitalen Medien. Zielsetzungen in Zeiten von Corona und unter besonderer Berücksichtigung von sozialen Ungleichheiten. *DDS – Die Deutsche Schule*, 16: 153–162.
- Hassani, M., Gholam Azad, S. & Navidi, A. (2022). Iranian teachers' Lived experience of virtual teaching in the early days of the coronavirus epidemic. *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 12(45): 87-107. (in Persian).
- Khlaif, Z. N., Salha, S., Affouneh, S., Rashed, H. & ElKimishy, L. A. (2020): The Covid-19 epidemic: teachers' responses to school closure in developing Countries. *Technology, Pedagogy and Education*, 29(4): 1-15.

- Kidd, W. & Murray, J. (2020). The Covid-19 pandemic and its effects on teacher education in England: how teacher educators moved practicum learning online. *European Journal of Teacher Education*, 4: 542-558.
- Kidd, W. (2020). *Agility, Return and Recovery: Our New Covid Context for Schooling and Teacher Education?* [Blog post] <https://www.bera.ac.uk/blog/agility-return-and-recovery-our-new-covid-context-for-schooling-and-teacher-education>.
- Konig, J., Jager-Biela, D. J., & Glutsch, N. (2020). Adapting to online teaching during COVID-19 school closure: Teacher education and teacher competence effects among early career teachers in Germany. *European Journal of Teacher Education*, 43(4): 1-15.
- Lauermann, F., & König, J. (2016). Teachers' professional competence and wellbeing: Understanding the links between general pedagogical knowledge, self-efficacy and burnout. *Learning and Instruction*, 45, 9–19.
- Maile Cutri, R., Mena, J. & Whiting, E. F. (2020). Faculty readiness for online crisis teaching: transitioning to online teaching during the COVID-19 pandemic. *European Journal of Teacher Education*, 43(4): 523-541.
- Means, B., Toyama, Y., Murphy, R., Bakia, M. & Jones, K. (2009). *Evaluation of Evidence-Based Practices in Online Learning: A Meta-Analysis and Review of Online Learning Studies*. U.S. Department of Education.
- Mehrmohammadi, M. (2014). *Perspectives (Curriculum: Theories, Approaches and 3rd Edition)*. Tehran: SAMT Publishing House. (in Persian).
- Moore, J. L., Dickson-Deane, C. & Galyen, K. (2011). e-Learning, online learning, and distance learning environments: Are they the same? *The Internet and Higher Education*, 14(2), 129–135.
- Mutton, T. (2020). Teacher education and Covid-19: responses and opportunities for new pedagogical initiatives. *Journal of Education for Teaching International research and pedagogy*. 46(4): 439-441.
- Salmon, G. (2012). *E-moderating: The Key to Teaching and Learning Online*. 2nd edn. London: Routledge Falmer.
- Sepulveda-Escobar, P. & Morrison, A. (2020) Online teaching placement during the COVID-19 pandemic in Chile: challenges and opportunities. *European Journal of Teacher Education*, 43(4): 587-607.